

## ابعاد حج خونین از نگاه شاهدان عینی

## پرواز ۱۳۶۶

شروع شد یعنی تا آن زمان باتون برقی و اینها می‌زدند و کسانی که می‌آمدند عقب صرفاً با شکستگی سر و گیجی و اینها که به خاطر آن جریان شوک برقی به آنها وارد شده بود برمی‌گشتند، بتدریج ما با جنازه‌ها مواجه شدیم، جنازه‌هایی که تیرخورده بودند و اینها را جابه‌جا می‌کردیم، با تأسف شدید بعضی از اینها جانبازانی بودند که روی حساب جایگاهی که داشتند اینها جلوی جمعیت می‌رفتند و افتخارات ما محسوب می‌شدند و به همین خاطر آسیب‌پذیری‌شان هم بیشتر شد یعنی خیلی از مجروحان و حتی شهدا از جانبازان ما بودند، چون نمی‌توانستند از خودشان دفاع کنند و خیلی راحت از صندلی چرخ‌دارشان سرتنگون می‌شدند و زیر دست‌وپا می‌رفتند و احتمالاً خفگی، اینها اگر تیر نخورده بودند، ما اینها را جابه‌جا می‌کردیم ولی نمی‌دانستیم کجا ببریم، چون بالاخره فکر متأسفانه کمک‌رسانی اولیه و به داد مجروحیت اینها رسیدن را کسی نکرده بود».

## ■ راهپیمایی میلیونی در تهران

آنچنان که گفته شد سد حرکت حاجیان و تظاهرکنندگان در مراسم برائت از مشرکان نقطه آغاز درگیری و کشتار حاجیان ایرانی بود. در ادامه و بر اساس گفته‌های شاهدان عینی، ورود نیروهای ناشناس و تک‌تیراندازهایی که در موقعیت‌های مختلف جا گرفته بودند و به سمت حججاج شلیک می‌کردند، این حادثه را در دناکت کرد و موجب شهادت بیش از ۴۰۰ حاجی ایرانی شد. خبر کشتار حججاج، تیر اول روزنامه‌های ایران دوشنبه ۱۱ مرداد بود. اعلام این خبر موجی از خونخواهی و انتقام را در ایران در پی داشت و بسیاری از مردم را به خیابان‌ها کشاند. اشپیکل در یکی از گزارش‌های خود دربارهٔ جمعیت پس از حج خونین در تهران می‌نویسد: «هفته پیش و در حالی که هنوز تابوت‌های نخستین «شهدا» از مکه به تهران نرسیده بود، میلیون‌ها نفر در صفی چند کیلومتری در خیابان‌های تهران راهپیمایی کرده و خشم و درد مشترک خود از آن حمام خون را به نمایش گذاشتند. این بزرگ‌ترین راهپیمایی از زمان روزهای تاریخی انقلاب در اوایل سال ۱۹۷۹ بود».

می‌رفت. حتی به رژیم سعودی هم مستقیماً کسی شعاری نمی‌داد، اهانتی نمی‌کرد؛ برای اینکه تحریک نکنند و بشود آن تظاهراتی که در اصل علیه رأس شیطان بود که آمریکا بود. نزدیک غروب، راهپیمایی تمام شد. حجاج می‌خواستند برای خواندن نماز مغرب به مسجدالحرام بروند اما ناگهان به دستور ویگنر پلیس‌های مکه، جای خود را به نیروهای ضد شورش دادند. نیروهای ضدشورش با بستن راه حججاج جلوی جمعیت را گرفتند. سعودی‌ها برای سرکوب تنها به یک بستن راه نیاز داشتند. همان موقع ویگنر نیز با هلیکوپتر عملیات را فرماندهی می‌کرد. با بسته شدن راه در چند متری پل هجوم، فشار جمعیت افزوده شد و حتی نفس کشیدن برای حججاج دشوار شده بود. شیخ عطار، از شاهدان عینی این حادثه می‌گوید: «آخر راهپیمایی بود و در پل هجوم متوقف شد و تراکم ایجاد شد. در مدت کوتاهی هم خبر رسید که اینها از بالای پشت‌بام‌ها کولرگازی و وسایل سنگین و اینها، روی سر جمعیت می‌اندازند و اول هم گازه‌های اشک‌آور را شروع کردند به پرتاب کردن و بعد هم تیراندازی، یعنی در همین مراحل جلو رفت، که خبا! شرایط به هم ریخت».

## ■ آغاز تیراندازی

یکی دیگر از شاهدان ادامه حادثه را اینطور تعریف می‌کند: «جمعیت همین‌طور به همدگر فشرده‌تر می‌شد و بتدریج صدای تیراندازی هم



نیروهای آموزش دیده عربستانی در خیابان‌های مکه را به خاطر دارند گفت‌وگو کرده است. یکی از شاهدان عینی در این باره می‌گوید: آن چیزی که قبل از راهپیمایی توجه همه را جلب می‌کرد حضور بی‌سابقه نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم سعودی در خیابان‌های مکه بود که به آن روز هم محدود نبود، حتی از روزهای قبلیش ما حس کردیم که ماشین‌های اینها و افراد مسلح اینها حضور قابل توجه و متفاوتی را دارند پیدا می‌کنند و رفتار فته هم به تعداد اینها و میزان تجهیزات با استفاده از اسناد و اطلاعات تأکید می‌شود. البته با شاهدان عینی که برنامه‌ریزی‌های برنامه خاصی دارند.

نیروهای آموزش دیده عربستانی در خیابان‌های مکه را به خاطر دارند گفت‌وگو کرده است. یکی از شاهدان عینی در این باره می‌گوید: آن چیزی که قبل از راهپیمایی توجه همه را جلب می‌کرد حضور بی‌سابقه نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم سعودی در خیابان‌های مکه بود که به آن روز هم محدود نبود، حتی از روزهای قبلیش ما حس کردیم که ماشین‌های اینها و افراد مسلح اینها حضور قابل توجه و متفاوتی را دارند پیدا می‌کنند و رفتار فته هم به تعداد اینها و میزان تجهیزات با استفاده از اسناد و اطلاعات تأکید می‌شود. البته با شاهدان عینی که برنامه‌ریزی‌های برنامه خاصی دارند.

لیبرال‌ها همواره تلاش می‌کنند حج خونین ۶۶ را یک اتفاق تلقی کنند. آنها پرداختن به ابعاد پیدا و پنهان این واقعه را «تنش‌زا» می‌دانند. همین رویکرد در مواجهه با حادثه منا نیز از سوی رسانه‌های حامی دولت، صورت گرفت و در واقع زمینه‌ساز بسیاری از غفلت‌ها درباره پیگیری حقوقی این فاجعه از سوی مسؤولان دولتی شد. در این بین جواد موگویی یکی از مستندسازان جوان با تکیه بر اسناد و اطلاعاتی که کمتر دچار خدشه است از انقلاب با پیام امام خمینی(ره) برگزار می‌شد. پس از انقلاب و گسترش نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه و در میان مسلمانان، عربستان سعودی برای مقابله با این نفوذ از صدام برای جنگ با ایران حمایت می‌کند. رژیم سعودی اوج مقابله خود با تفکر انقلاب اسلامی را در مردادماه سال ۶۶ به نمایش می‌گذارد؛ در عملیاتی به زعم بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی از پیش «برنامه‌ریزی» شده، عمال سعودی به صف حاضران در مراسم برائت از مشرکین حمله می‌کنند، بیش از ۴۰۰ حاجی ایرانی را به شهادت می‌رسانند و موجب مجروح شدن صداهای دیگر از حججاج می‌شوند.

## ■ غفلت‌نابخشوندی

درباره این حادثه اگرچه گزارش‌های متعددی نوشته شده است اما کمتر نوشته‌های تلاش کرده به جزئیات مهم این کشتار بپردازد. از سوی دیگر در فضای رسانه‌ای نیز به علت پربسامد بودن اخبار، تمرکز بر وقایعی این چنینی همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است. به نحوی که گاهی به طور کامل در مرز فراموشی قرار می‌گیرد. از طرف دیگر

## در هر جنایتی پای منافقین در میان است



کاروان بازگردد، چون عربستان از هر کاروانی لیست دارد و نفر شما می‌تواند به مجرد رسیدن به آنجا از بعثه جدا شود و به دنبال کارش برود و کسی از او شناسایی نخواهد کرد و در پایان به فرد تعیین‌شده از سوی ما مراجعه می‌کند و گذرنامه‌اش را تحویل می‌گیرد و می‌آید. عباس داوری: نفعات مجاهدین می‌خواهند در داخل کاروان‌های ایرانی جا بگیرند و شب و روز با آنها باشند و مشخص نگردد که از کاروان دیگری آمدند.

شواهد موجود حاکی از آن است که رژیم عباس داوری: در آن دوران درگیر جنگ با ایران بود از توطئه منافقین و سعودی‌ها آگاه بوده و برای به خون کشیدن مناسک حج با منافقین همکاری می‌کرده است. در بخشی از مذاکرات فاش شده یکی از عناصر قدیمی مرکزیت سازمان منافقین به نام «عباس داوری»- که در سال ۶۶ ریاست کاروان اعزامی منافقین به مناسک حج را برعهده داشته است- با افسران امنیتی عراق، به موضوع حضور منافقین در حج و همکاری یعنی‌ها با آنان اینگونه اشاره می‌شود:

عباس داوری: ما می‌خواستیم اگر امکان داشته باشد در درون هیات‌های عراقی اعزامی به حج حضور یابیم و به گونه‌ای مشخص نشود که از مجاهدین و غیرعراقی هستیم و همان روزی که ایرانی‌ها وارد می‌شوند ما ملحق می‌شویم؛ البته می‌دانید که ایرانی‌ها به صورت کاروانی یک حج می‌آیند؛ می‌خواهیم نیروهای خود را در آنها نفوذ دهیم و ارتباط‌گیری کنند.

افسر امنیتی عراق: ما چگونه برای شما ویزا بگیریم؟ این نیروهای شما کجا می‌خواهند ارتباط‌گیری کنند؟

عباس داوری: در جده که همه زائران ابتدا آنجا پیاده می‌شوند و فعلاً چند نفر مد نظر ما است که [هم‌اکنون] در عراق نیستند.

افسر امنیتی عراق: ما پس از موافقت می‌توانیم برای آنها گذرنامه عراقی درست کنیم و به همراه برخی از کاروان‌های حج بفرستیم. برای هر فرد گذرنامه را می‌فرستند و به دست او می‌رسانند و در موعد مقرر نیز گذرنامه را بازمی‌گردانند؛ راه دیگری نداریم.

عباس داوری: به‌خاطر حساسیت موجود اگر بشود که بازگشت‌شان به کشور دیگری باشد و از آنجا به عراق بیایند بهتر است. افسر امنیتی عراق: چون گذرنامه‌ها با یکی از کاروان‌های ما خواهد رفت نمی‌تواند با این

## به نام پدر

بود به تهران منتقل شود. عربستان سعودی در پی حمله به سفارتش به یکباره رابطه خود با ایران را قطع کرده بود و دیپلمات‌های ایرانی باید در عرض چند ساعت آن کشور را ترک می‌کردند. اینکه پیکر پدرمان به همراه پیکر دیگر شهدا با پرواز ایرانی بازمی‌گردد برای ما خوشایندتر بود اما پرواز در تهران نشست و پیکر پدرم در جده ماند اما البته پیکرهای دیگر شهدای من از جمله پدرم، چند روز بعد به طریقی غیررسمی به تهران بازگشت ولی برای من سوال شد که چرا پدرم از پرواز دیپلمات‌ها جا ماند مدتی بعد متوجه شدم به‌رغم زمان بایمانده قانونی برای دیپلمات‌ها به منظور ترک خاک عربستان، آنها منتظر طی مراحل قانونی برای مجوز خروجی پیکرها نماندند و ترجیح دادند خودشان زودتر به سلامت به تهران برسند در حقیقت یک تیم کنسولی منفعل که از زمان وقوع فاجعه تا بعد از آن خیلی زحمتی به خود نمی‌دادند خوشبختانه به ایران بازگشتند و به حضور نمایشی خود پایان دادند ناگفته نماند در فاجعه منا به‌رغم این افعال وزارت امور خارجه ما خوشحال هستیم که پیکر شهدا به کشور بازگشت و این دلیلی نداشت جز مطالبه عمومی مردم و بزرگان و نخبگان کشور که فشاری بر دستگاه‌های سیاسی کشور وارد می‌کرد تا زودتر تکلیف پیکرهای شهدا مشخص شود که اگر آن مطالبه نبود پدر من و دیگر شهدا به وطن بازمی‌گشتند این می‌تواند الگوی مناسبی باشد تا جامعه مدنی ما مطالبه‌گر حقوق خود از وزارت امور خارجه و دیگر دستگاه‌های حقوقی مسؤول باشد. مطالبه‌ای که قطعاً خواست آحاد مردم است و نشانه آن در اعتماد به شعار «اعتبار به پاسپورت ایرانی» در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ است که البته در حد شعاری کمتر از آن ماند. برای پیشگیری از حوادث اینچنینی باید فعالان اجتماعی و سیاسی و رسانه‌ها دست به کار شوند تا با مطالبه‌گری رویه‌های وزارت امور خارجه را تغییر دهند. آن نهاد را پاس‌خگوتور و فعال‌تر کنند و اعتبار بخشیدن به پاسپورت ایرانی را برایش وظیفه کنند. حمله به سفارت سعودی در تهران اگرچه حادثه ناپسندی بود ولی اینگونه حوادث نشانه آن است که مردم از توان قانونی مسؤولان‌شان ناامید شده‌اند. پس برای پیشگیری و تکرار نشدن این اتفاقات از هم‌اکنون به فکر باشید.

## «فرزند شهید منا



تلفظ نمودن آیت‌الله خواجه‌آبادی

## در رثای کبوتران خونین بال حرم



سیدمرتضی اوینی، سید شهیدان اهل قلم هم در سال ۶۶ در مراسم حج حضور پیدا کرده است. او نیز روایتی دردناک از واقعه کشتار حججاج توسط نیروهای سعودی دارد: در پیشاپیش تظاهرات، ۳ صفا از نیروهای انتظامات که دست‌ها را در یکدیگر زنجیر کرده بودند تشکیل شده بود. پس از آنها ۵۰۰ نفری از برادران حرکت می‌کردند و پشت آنها، در جناح راست خیابان، جانبازان و بخشی از خواهران و در جناح چپ خیابان برادران راه می‌رفتند. وقتی پلیس در جناح چپ خیابان به ضرب و جرح مردم پرداخت بلافاصله صدای دست زدن و سوسوت و هلهله چماق‌داران که از پیش در پشت نیروهای پلیس مستقر شده بودند شنیده شد و همزمان با آن، در جناح راست خیابان نیز پلیس به همراه نیروهای امنیتی که به چوب‌های میخ‌دار و میله‌های آهنی مجهز بودند، شروع به ضرب

## داستان یک عکس



می‌آیند و دست روی شانه همدیگر می‌گذارند. با تمام قدرت تلاش می‌کنند که از معرکه فرار کنند. از همه طرف‌ها جماعت فشار آوردند و آخرین فریم که ثبت شده ۲ نفر توی گوشه کادر سمت راست و چپ من روی سر دارن فرار می‌کنند. یعنی اینقدر جماعت فشرده است و وحشت و اضطراب زیاد است که روی سر همدیگر افتادند. آنجا ناگهانی من تمام می‌شود.

علی فریدونی، عکاس باسابقه انقلاب و دفاع‌مقدس که در حج خونین سال ۶۶ حضور داشته، در بخشی از مستند کابوس در بیداری لحظه ثبت این عکس را اینطور توضیح می‌دهد: فریم آخری که گرفتم یک فریم استثنایی است. وقتی شما از توی ویزور نگاه نمی‌کنید نمی‌بینید توی ویزور چه ثبت می‌شود. اینقدر جماعت فشرده‌اند که دارند روی همدیگر می‌افتند، بالا